



باید کار کنی تا یاد بگیری

مریم خانم وقتی دختری جوان است قبل از ازدواج دانشگاه می‌رود و لیسانس پرستاری می‌گیرد، ولی به قول خودش هیچ وقت پرستاری نمی‌کند. «لیسانس پرستاری دارم ولی هیچ وقت پرستاری نکردم. یکی از شروط خانواده همسرم این بود که کار نکنم. بیست سالم بود که ازدواج کردم و آن زمان فکر نمی‌کردم که این موضوع اهمیتی داشته باشد. اوایل زندگی موضوع برایم مهم نبود، ولی کم کم دیدم که من رشته سختی را خواندم و امتحانات سختی را دادم و کلی زحمت کشیدم، ولی نتیجه‌ای نگرفتم! دخترهایم که بزرگ شدند، رفتند و دوره دیالیز را گذراندم تا به عنوان پرستار حرفه‌ای این حوزه بروم و کارم را شروع کنم که خوردیم به کرونا و کلاس شروعی نداشتم. این شد که به پیشنهاد خواهرم که او هم مزون لباس عروس دارد، شروع کردم به گذراندن دوره‌های خیاطی و کلاس رفتن. دوره نازک دوزی را که تمام کردم شروع کردم به کار کردن. رایگان برای دوستان و آشنایان لباس می‌دوختم. حتی گاهی خواهش می‌کردم که پارچه‌هایشان را بیاورند تا برای آن‌ها بدوزم. شاید برایتان عجیب باشد، ولی علاقه داشتم یا بهتر بگویم که علاقه مند شده بودم. بعد از آن بایک گروه آشنا شدم که لباس عروس کار می‌کردند. دو سال رفتم و یاد گرفتم. در کنارش دوره لباس شب و عروس را هم گذراندم و مدرکش را هم گرفتم. نکته کارهای حرفه‌ای همین است که به مدرک نمی‌شود اکتفا کرد باید کار کنی و بدوزی تا یاد بگیری. البته این را هم بگویم که من یک بار دیگر دوره دانشجویی رفتم و خیاطی یاد گرفته بودم و برای خودم لباس می‌دوختم، ولی بعد از ازدواج چرخم را جمع کردم. بعد از بیست سال که دوباره شروع کردم سراغ همان چرخ رفتم، یک چرخ خیاطی ساده بود. کم کم که کارم جدی شد سراغ خرید وسایل رفتم.»

یک سفید خاص

این خانم فقط لباس‌های عروس می‌دوزد



● فاطمه بختیاری / دم‌دمای اعیاد که می‌شود بند و بساط عروسی‌ها و دامادی‌ها و مراسم جشن و شادی برپاست، به ویژه اوایل این ماه که دهه کرامت است و دو تولد و ویژه داریم که یکی از آن‌ها مختص ما مشهدها است.

به اقوام درجه یک کاری نداریم. در این مطلب زده ایم توی خال و رفته ایم سراغ اصل کاری؛ بله، همان شخصی که در نهایت قرار است، بله، را بگوید، عروس خانم! حالا اینکه شما تجربه عروس بودن داشته‌اید یا نه، نمی‌دانم، ولی به طور قطع قبول دارید که یک اتفاق خاص در زندگی هر دختری است که بخش اعظم آن که بسیار برای همه دخترها مهم است لباس است. لباس عروس.

این دفعه سراغ خانمی رفته ایم که فقط لباس‌های عروس و عروسی می‌دوزد. به قول خودش لباسی می‌دوزد که فقط و فقط برای یک مراسم خاص است و قرار است کلی خاطره برای پوشنده آن خلق کند. مریم رشیدی، از آن دهه پنجاهی‌هایی است که خیلی‌ها ایشان قبل از ازدواج، خیاطی را در خانه پدر آموخته‌اند، اما سراغ آن نرفته و کناری گذاشته‌اند و گرد و خاک زمانه روی هنر آن‌ها نشسته است و سال‌ها بعد دوباره سراغ آن رفته‌اند و گرد و خاک از وسایلشان زدوده‌اند و با توانایی و استعدادشان به قول قدیمی‌ها حسابی گرد و خاک هوا کرده‌اند!

